

## An Examination of Seyyed Javad Tabatabai's Iranshahr Theory and Its Influence on Islamic Thought

Amir Mohammad Dadgar<sup>1</sup>, Reza Parizad<sup>2</sup>, Ali Mohseni<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.  
amirdadgar1350@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Qom Branch, Department of Political Science, Islamic Azad University, Qom, Iran  
(Corresponding author). r\_parizad@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.  
dr.amohseni@gmail.com

### Abstract

This study aims to revisit various narratives of Iranshahr political thought within Islamic civilization. The focus is on political thought and its diverse manifestations during the Islamic era, particularly the medieval period. In this regard, the thought of Iranians and aspects of the historical continuity of political thought in Iran, and the Iranshahr political thought with the key phrase "Divine Glory" in Islamic political thought are discussed. The theory of "Iranian Cultural Continuity" forms the theoretical basis of this research. The main research question is: "What impacts have Seyyed Javad Tabatabai's Iranshahr theory had on Islamic period thoughts?" The probable answer is that Iranshahr thought, influenced by Islamic thoughts over historical periods, has impacted the political and social life of the Islamic period thoughts and has evolved accordingly. Iranshahr political thought in the Islamic era has been reproduced in various forms, each offering its interpretation of the concept of "Divine Sovereignty." According to the present study's findings, the five narratives of Divine Glory in Islamic civilization are: Epic, Philosophical, Advisory, Mystical, and Luminous narratives.

**Keywords:** Political thought, Iranshahr theory, Seyyed Javad Tabatabai, Islamic thought, constitutionalism.

---

Received: 2022-02-19 ; Received in revised form: 2022-03-12 ; Accepted: 2022-03-31 ; Published online: 2023-12-21  
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.547943.1820>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## بررسی نظریه ایران‌شهری سید جواد طباطبایی و تأثیر آن بر اندیشه‌های اسلامی

امیرمحمد دادگر<sup>۱</sup>، رضا پریزاد<sup>۲</sup>، علی محسنی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. amirdadgar1350@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، واحد قم، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). r\_parizad@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. dr.amohseni@gmail.com

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد بازخوانی روایت‌های مختلف تفکر سیاسی ایران‌شهری در تمدن اسلامی است. تفکر سیاسی و جلوه‌های گوناگون آن در دوران اسلامی - به‌ویژه قرون وسطی - مورد تأکید این تحقیق است. در این راستا، تفکر ایرانیان و جنبه‌هایی از تداوم تاریخی اندیشه سیاسی در ایران، و اندیشه سیاسی ایران‌شهری و عبارت کلیدی «فره ایزدی» در اندیشه سیاسی اسلامی مورد بحث قرار گرفته، و نظریه «تداوم فرهنگی ایرانی» مبنای نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. سؤال اصلی پژوهش این است که «سازه‌های نظریه ایران‌شهری سید جواد طباطبایی چه تأثیراتی بر اندیشه‌های دوره اسلامی داشته است؟». پاسخ احتمالی به این پرسش آن است که اندیشه ایران‌شهری در طول دوره‌های تاریخی ضمن تأییدپذیری از اندیشه‌های اسلامی، بر حیات سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های دوره اسلامی اثرگذار بوده و روند تکاملی خود را طی کرده است. اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دوران اسلامی به اشکال گوناگون بازتولید شده است و هر یک برداشت خاص خود را از مفهوم «خدای الهی» ارائه کرده‌اند. براساس نتایج تحقیق حاضر، پنج روایت فره ایزدی در تمدن اسلامی عبارتند از: حماسه، روایت فلسفی، نصایح روایی، روایت عرفانی و روایت نورانی.

**واژه‌های کلیدی:** اندیشه سیاسی، نظریه ایران‌شهری، سید جواد طباطبایی، اندیشه اسلامی، مشروطه.

استاد به این مقاله: دادگر، امیرمحمد؛ پریزاد، رضا؛ محسنی، علی (۱۴۰۲). بررسی نظریه ایران‌شهری سید جواد طباطبایی و تأثیر آن بر اندیشه‌های

اسلامی. *سیاست متعالیه*، ۴۱(۱): ص ۱۹۷-۲۱۰. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.547943.1820>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.psas.ir>

© نویسندگان

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

واژه اندیشه در معنای عام به فلسفه، آراء و عقاید گفته می‌شود. فلسفه سیاسی تأملی نظری درباره مناسبات قدرت نظامی و فلسفی است (پرهام، ۱۳۸۳: ص ۶۷)؛ درحالی‌که اندیشه سیاسی نظریه‌پردازی درباره مناسبات قدرت بدون لحاظ کردن مقدمات فلسفی است. بنابراین، تاریخ عقاید سیاسی به دو وجه امر سیاسی، یعنی فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی - به معنای خاص کلمه - نظر دارد. البته اندیشه در بُعد هستی‌شناختی ارتباط و تداخل‌های مفهومی و ماهیتی، با دیگر گرایش‌های علوم اجتماعی اعم از تاریخ، فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی و غیره دارد و به نوعی باید گفت، اندیشه بستر و ساختاری برای سایر مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد اندیشه، ماهیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن است که از نخستین دوره‌های شکل‌گیری حیات اجتماعی تا امروز، به تکامل رسیده است. اندیشه ایران‌شهری از منظر فلسفی و تاریخی بخشی از اندیشه‌ای است که در جغرافیای مکانی و زمانی ایران‌زمین جاری بوده و کلیت اندیشه ایرانی را سامان داده است. تجلی این اندیشه در حیات و سپهر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران قابل پیگیری است (طباطبایی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۴). شکل‌گیری نخستین جلوه دولت (به معنای هگلی)، ایجاد نخستین سازوکارهای حکومتی و اجتماعی، جلوه‌های اسطوره‌ای ارتباط عینی و واقع‌گرایانه با جنبه‌های اسطوره‌ای کیهانی، پیوند تمدنی و پیوستار اندیشه‌ای بین فرهنگ‌ها بر پایه ارزش‌های مشترک، ارتباط دین و سیاست و تجلی آن در دوره‌های تاریخی متعدد، ابداع و تأثیر بر ماهیت مفاهیم اندیشه در سطوح مختلف و انتقال آن به سایر تمدن‌ها از دوره‌های اولیه تا پایان قرن چهارم و تبیین خاص رابطه حاکمان و مردم (دولت و مردم) به شکل سلسله مراتبی و اقتداری و غیره، از نمونه‌های تجلی این اندیشه است (مجتبایی، ۱۳۵۲: ص ۷۰). در این پژوهش منظور از اندیشه ایران‌شهری، اندیشه‌های باستانی است که تا قبل از ورود اسلام به ایران رواج داشته و در دوره‌های اسلامی بر اندیشه سیاسی و اجتماعی ایران تأثیرگذار بوده‌اند. منظور از اندیشه‌های باستان، اندیشه‌های رایج در دوران سلسله‌های ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی است که با وجود تفاوت‌های اندیشه‌ای و مذهبی میان حکومت‌های مذکور، بر سیر اندیشه‌های پس از ورود اسلام نیز مؤثر بوده‌اند (محمدی ملایری، ۱۳۹۴: ص ۹۸). اهداف پژوهش حاضر در دو سطح تئوریک و کاربردی قرار دارد:

در سطح تئوریک، بررسی و تجزیه و تحلیل اندیشه ایران‌شهری و تأثیر آن بر اندیشه اسلامی، و در سطح کاربردی، این مورد بیش از هر چیز به نتایج نظری پژوهش مربوط است و این هدف را پیگیری می‌کند که ساخت اندیشه‌ای در هویت‌های مختلف ایران معاصر، حاصل ترکیبی تلفیقی و تعامل محور بین اندیشه

ایران‌شهری و اسلامی است و امکان جدایی و حذف یکی وجود ندارد، و باید حلقه‌های پیوندی آن دورا مورد توجه قرار داد.

البته در مورد پیشینه و ادبیات پژوهش باید گفت که، اصول و مبانی سیاسی پیش از اسلام، به صورت مستقل و مجزا در دو منبع تدوین شده است: نخست آیین‌نامگی‌ها در زبان پهلوی<sup>۱</sup>، و دوم خدای‌نامگ‌ها در زبان پهلوی<sup>۲</sup>. از آیین‌نامگی‌ها که در حوزه اندرزنامه‌های پهلوی قرار می‌گیرد، حدود ۱۵ عنوان باقی مانده است که از این میان، دو یا سه عنوان مستقیماً به سیاست مربوط است؛ مانند «اندرزنامه انوشیروان». اصل پهلوی بسیاری از آیین‌نامگی‌ها نیز از میان رفته است؛ اما در نهضت ترجمه دوران عباسی، بسیاری از آنها به عربی و بعداً برخی از آنها به فارسی نیز برگردانده شدند (مسعودی، ۱۳۶۵: ص ۲۳۱). بخش بزرگی از داستان‌های فرمانروایان و وزیران باستانی ایران در سیاست‌نامه‌ها، از ترجمه عربی همین خدای‌نامگی‌ها گرفته شده است.

درباره نظریه سیاسی دوره اسلامی نیز، که عمدتاً در سیاست‌نامه‌ها اشاره شده، تاکنون پژوهشی جدی و شایان توجه انجام نشده است، تا بتوان به مطالعه و طبقه‌بندی دقیق آنها پرداخت. اما به نظر می‌رسد می‌توان پنج منبع عمده را بازشناخت که در آنها به تدوین و بازنمایی اصول سیاست پرداخته‌اند:

الف) نوشته‌های سیاسی یا سیاست‌نامه‌ها (به معنای دقیق)، مانند سیاست‌نامه خواجه نظام الملک؛

ب) تاریخ الوزراها، مانند تاریخ الوزرای ابوالرجای قمی؛

ج) کتاب‌های تاریخی، مانند تاریخ عالم آرای امینی؛

د) کتب عرفانی، مانند ذخیره الملوک میرسید علی همدانی؛

ه) کتاب‌های ادبی، مانند کلیله و دمنه (طباطبایی، ۱۳۷۵: ص ۸۶).

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقلی در فارسی به نگارش درنیامده است که به بررسی اصول کلی و سیر تحول اندیشه سیاسی از دوره ساسانی تا عهد اسلامی پرداخته باشد؛ تنها در آثار سیدجواد طباطبایی به صورت بسیار گذرا و کلی به تداوم اندیشه سیاسی از دوره میانه تا دوره نو پرداخته شده است. طباطبایی مبدع نظریه ایران‌شهری، محث تداوم اندیشه سیاسی پیش از اسلام در دوره اسلامی را در کتاب‌های «خواجه نظام الملک طوسی، گفتار در تداوم فرهنگی ایران»، و «درآمدی بر تاریخ اندیشه

1. Wen namag

2. Xwatay namag

سیاسی در ایران»، و «زوال اندیشه سیاسی در ایران» مطرح کرده است. اراضی جمکرانی و همکاران (۱۳۹۹)، نیز در تحقیقی با عنوان «تأثیر پیمان‌های شاهنامه در انتقال اندیشه ایرانشهری به دوره اسلامی (با تأکید بر تصاویر شاهنامه بایسنقری)، نقش شاهنامه فردوسی در انتقال اندیشه‌های ایرانشهری به دوره اسلامی و نیز تأثیرگذاری آن در ادامه این جریان را بررسی کرده است. دو موضوع محوری این تحقیق مفاهیم «پیمان» و «تضمین» است که چگونگی اجرایی شدن پیمان و تأثیر آن در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری را مورد ارزیابی قرار داده است. روش انجام این پژوهش «متن‌گرایی» است. براساس این رویکرد، متون کلاسیک دارای حقایق بی‌زمان، دائمی و جهانشمولی هستند که بدون در نظر گرفتن بستر اصلی اجتماعی و تاریخی این متون، می‌توان آنها را درک و تفسیر کرد. بنابراین، اندیشه هر متفکری اگرچه متأثر از شرایط عصر و زمانه خود است، ولی برای درک و فهم آن باید استنباط ایشان را از مفاهیمی که به‌کار می‌برند، مبنا قرار داد. در پژوهش حاضر نیز، در مطالعه متون کلاسیک ایران مانند اوستا، عهد اردشیر، شاهنامه و سیاست‌نامه، برداشت نویسندگان آنها از مفاهیمی مانند عدالت، فرّ ایزدی، شاه آرمانی، میانه‌روی و خرد مورد بحث قرار گرفته است.

## ۲. نظریه ایرانشهری

فرهنگ و اندیشه ایرانشهری و تداوم تاریخی آن، که مبتنی بر کثرت اقوام، تنوع آداب و رسوم، زبان‌ها و دیانت‌ها بود و همچون شالوده‌ای برای وحدت اقوام ایرانی عمل می‌کرد، با مفهوم «تداوم تاریخی فرهنگی ایرانیان» عجین بوده است. این اندیشه مستمر را می‌توان از اسطوره‌ها، حماسه‌ها، کتاب‌ها و باورهای دینی، فلسفی و عرفانی ایرانی دریافت؛ بدین مفهوم که بسیاری از وجوه اصلی جهان‌شناسی و اندیشه سیاسی ایران باستان، در دوره اسلامی نیز به گونه‌ای ادامه یافت (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ص ۴۳۴).

اندیشه شاه آرمانی دارای فره ایزدی در کهن‌ترین منابع اندیشه ایرانشهری آمده است و با همین مفهوم بنیادین، با اندیشه سیاسی مسیحیت سده‌های میانه - به‌ویژه روم شرقی - پیوند خورده، که در آن نیز شاه موجودی نامیرا و خداگونه است. اهورامزدا شاه را با نیروی معنوی و فره شاهی انتخاب می‌کرد؛ شاه منتخب، مظهر قدرت خداوند و مهر و قهر ایزدی بود. قدرت، توانایی و قاهریت، تجلی صفات خداوندی در شاه بود که به وی جنبه ملکوتی می‌داد (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷).

اما این مفهوم در دوره اسلامی، نخست به خلافت و سپس به سلطنت متغلبانه تغییر ماهیت داد. نکته قابل تأمل، تحولی است که از دوره غزنویان رخ داد و پس از آن نیز استمرار یافت (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ص ۸۹).

این تغییر، با روی کار آمدن سلاطین ترک رخ داد که متفاوت از نژاد ایرانی و عرب بودند. با وجود تفاوت یاد شده، متفکران سیاسی می‌کوشند بدون اشاره به خلفای بنی‌عباس، که در بغداد حاکم بودند، سلطنت سلاطین ترک را براساس واقعیت موجود و به اتکای اندیشه تقدیرگرای اشعریان و با نیم‌نگاهی به نظریه فره الهی در اندیشه ایرانشهری تبیین کنند. مفهوم دین، یادآور اصل سیاست قدسی در اندیشه ایرانشهری است که وظیفه اصلی شاه آرمانی، دین‌یاری و مبارزه با بددینی بوده است. تحول رخ داده در این مورد، وجود سلطان ترک تازه دیندار شده است که وزیر وظیفه دارد تا راه و رسم دینداری را به او بیاموزد. دادگری، هدف و آرمان، اساس اندیشه ایرانشهری است؛ اما آداب و سنن قبایل ترک و روحیه جنگ‌سالارانه آنان، هیچ‌گونه سازگاری با اندیشه دادگرانه ندارد. لذا، وزیران ایرانی مجبور هستند تا سلطان را به دادورزی ترغیب نمایند.

دو شرط اصلی دین‌یاری و دادگری از ارکان اصلی اندیشه ایرانشهری است (بهار، ۱۳۷۶: ص ۱۹۸). برای محقق نمودن این شروط، سیاست‌نامه‌نویسان می‌کوشند تا سلطان ترک را به تحول رفتاری و اعتقادی وادارند. بدین ترتیب سلطان مجبور است تا به دینداری بپردازد و رسم دادگری را پیشه خود سازد. راه اساسی تحقق دادگری، وجود سامان سیاسی در کشور و ایجاد تشکیلات اداری است، تا مانعی بر سر درازدستی حکومت به رعیت باشد. از این‌رو «سامان» یا «نظم» به کانون اصلی اندیشه سیاسی سیاست‌نامه‌نویسان، بویژه خواجه نظام‌الملک بدل می‌گردد. سمت‌وسوی اصلی اقدامات این متفکران به‌گونه‌ای بود که با طراحی نظامی سامان‌مند و متکی به آیین و قواعد مستحکم کشورداری ایرانیان، دست حکومت را برای سلطه بر جامعه می‌بست و اقتدار سلاطین ترک را در مجرای قانونی و نظام‌مند جاری می‌ساخت (بویس، ۱۳۷۶: ص ۹۸). نظر به آنچه گذشت، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی و نقد بنیان‌های نظری اندیشه ایرانشهری و تأثیر آن بر اندیشه‌های اسلامی بپردازد.

به‌طور کلی در طول دوره‌های تاریخی مذکور، اندیشه ایرانشهری به‌صورت سلسله‌مراتبی و براساس میزان تدبیر و توانمندی فرمانروایان سیاسی و دینی تداوم داشته است و تحت تأثیر اندیشه هلنی (یونانی) همچون نظام دولت‌شهر و نحوه شهرنشینی به شیوه یونانیان قرار گرفت و به‌دنبال آن، خط و زبان یونانی و نیز اندیشه و هنرهای آنان در شهرهای ایران رواج یافت (Strauss, 2009). به نظر می‌رسد اندیشه ایرانشهری به تنهایی نمی‌تواند در حوزه جغرافیایی خود عامل همبستگی و ایجاد وحدت سیاسی و اجتماعی و تأمین‌کننده منافع ملی باشد؛ زیرا ساخت اندیشه‌ای بر هویت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی ایران معاصر، حاصل ترکیبی تلفیقی و تعامل محور بین اندیشه ایرانشهری و اسلامی است، که امکان حذف یکی از آن دو وجود ندارد؛ لذا، باید حلقه‌های پیوند هر دو نظام اندیشه‌ای را مورد توجه قرار داد. اندیشه ایرانشهری، توانسته است در منحنی

تحول معنایی و مفهومی، ضمن تقویت آموزه‌ها و جهان‌بینی خود، بر سایر اندیشه‌های رقیب نیز تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بگذارد. در همین چارچوب، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلی اندیشه ایرانی‌شهری مؤثر بر اندیشه اسلامی را می‌توان اینگونه برشمرد: خدامحوری در نظم سامان جهان و اندیشه، جهان‌بینی خیمه‌ای در پیوند با دین و مفهوم آشه، قاعده خویش‌کاری و نقش آن در سیاست و ترتب امور، مسئله داد و دهش و نقش آن در بقاء و مشروعیت حکومت‌ها، و رابطه آن با فرّ ایزدی شاهان، اهمیت صلح برای جوامع، نقش محوری و اهورایی «شاه» و «وزیر» در سامان امور، نقش اخلاق در کیفیات اندیشه، رابطه دیالکتیک دولت و ملت، اعتقاد به نقش آدمی در تعیین سرنوشت و مسئله «اختیار» و غیره (گرشویچ، ۱۳۸۵: ص ۱۷۸).

### ۳. تأثیر نظریه ایرانی‌شهری بر شیوه حکمرانی دوره اسلامی

اندیشه سیاسی هر ملتی در طول تاریخ شکل می‌گیرد و در این مسیر با تأثیرپذیری از بسیاری از پدیده‌ها، بر پدیده‌های زیادی نیز تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل اندیشه سیاسی هر ملتی، مجموعه‌ای ترکیبی و ساخته شده از اجزاء و عناصر بی‌شماری است (کریک، ۱۳۹۲: ص ۲۴). با این حال از آنجا که نوعی درک واحد از پدیده‌ها، ملت‌ها را یگانه می‌سازد و موجب تداوم هویت جمعی آنها می‌شود، می‌توان میان مجموعه آراء و عقاید سیاسی، اصول و ارکانی را به‌عنوان پدیده‌های مشترک فکر جمعی تلقی کرد و سایر دستگاه فکری را بر پایه این بنیان‌های مشترک ساخت و بدین وسیله پراکندگی و گسست‌های فکری و تاریخی را به یگانگی فکری بازگرداند.

سرآمدی امپراتوری ساسانی سبب شد بعد از فروپاشی آن، همچنان شیوه حکومت‌داری این امپراتوری بسیاری از امورات مسلمانان و اعراب را تحت تأثیر قرار دهد (رازی، ۱۳۶۱: ص ۱۶۰). وجوه مختلف فرهنگ ایران ساسانی از جمله مدل حکومت، سازمان دولتی، طبقه دیران و غیره، الگوی اصلی حکومت خلفا شد (ثاقب‌فر، ۱۳۷۷: ص ۹۸). یکی از این امور که تأثیر زیادی در دوره اسلامی برجای نهاد، نوع تاریخ‌نگاری و چگونگی سیاست‌ورزی شاهان ساسانی بود (هاشمی‌نژاد، ۱۳۶۹: ص ۶۸).

### ۴. بررسی مؤلفه‌ها و بنیان‌های تئوریک اندیشه ایرانی‌شهری و صورت‌بندی تاریخی آن

به نظر طباطبایی، همین ناحیه ویژه و قابل توجه که اندیشه ایرانی‌شهری در مقام ایضاح آن است، چنان اهمیتی دارد که همواره «تأثیر ژرفی نیز در تلقی دینی ایرانیان داشت و تمایزی اساسی میان آن و دیانت دیگر کشورهای اسلامی وارد کرد. دیانت‌های ایرانیان، پیوسته، بخشی از فرهنگ «ملّی» آنان بوده است» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۹). اما ملّیت ایرانی چیست و مرجع تعریف، عناصر اصلی و مختصات عمومی

آن کدام است؟ طباطبایی توضیح دقیق و منسجمی از نظریه ایران‌شهری و ملیت ایرانی ندارد و دلیل این عدم انسجام را در «پیچیده بودن واقعیت ایران» می‌داند. وی، در آخرین اثر خود با عنوان «ملت، دولت و حکومت قانون»، نه از «نظریه» فلسفی-تاریخی، بلکه از «شهودی» در این باره سخن می‌گوید که «از دهه‌ها پرسه‌زدن در تاریخ و تاریخ اندیشیدن در ایران» بدست آمده است.

«من تصور پیچیده‌ای از واقعیت ایران دارم و کوشش می‌کنم با جستجو در منابع تاریخی و تدوین نظریه‌ای برای آن پیچیدگی‌ها، راهی به سوی فهمی متفاوت از ایران باز کنم... آنچه من اینجا می‌آورم، شهودی است که از دهه‌های پیش از پرسه‌زدن‌ها در تاریخ و تاریخ اندیشیدن در ایران پیدا کرده و در سال‌های طولانی، آن شهود نخستین را به محک مواد تاریخ و تاریخ اندیشه در اروپا نیز زده‌ام، که از دوره یونانی تاکنون همچون افقی گریزناپذیر در برابر ما وجود داشته است» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۳).

این مسئله اهمیت زیادی دارد و دیدگاه طباطبایی در ضرورت تمایز بین نظریه و شهود در باب ایران‌شهری را نشان می‌دهد. وی دلیل ابهام در نظریه ایران‌شهری یا همان «نظریه تکوین ملت در ایران و دولت ملی آن» را نه به لحاظ ابهام در «اصل تاریخ ایران» و منابع و مواد آن، بلکه «متوجه طرح بد پرسش» می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۲۳). به همین جهت، به دو کوشش متفاوت خطر کرده است: یکی، تلاش ایجابی که با توجه به پیچیدگی تاریخ ایران، اگر نه یک نظریه، حداقل برخی مفردات ایده ایران‌شهری را طرح و توضیح می‌دهد؛ دیگری، اقدام سلبی و تلاش در توضیح اینکه ایران‌شهری چه چیزی نیست و یا نمی‌تواند، باشد. در ادامه، این دو وجه متفاوت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱. وجوه سلبی نظریه ایران‌شهری

ایده ایران‌شهری که سید جواد طباطبایی در مقام ایضاح آن است، وجوه سلبی تعیین‌کننده‌ای دارد و بر بنیاد اصل کلی «خاص‌بودگی و تفاوت ایران» نسبت به دیگر تجربه‌های منطقه‌ای و جهانی، در باب ملیت و دولت ملی استوار است. وی با اشاره به این اصل یا قاعده کلی می‌نویسد: قاعده‌ای کلی [و جهانی] برای تکوین ملت و دولت ملی آن وجود ندارد و هر موردی باید با توجه به ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و قومی آن، مورد بررسی دقیق قرار گیرد. تکوین ملت در ایران و دولت ملی آن، تاریخ پیچیده و متفاوتی دارد و بدون داشتن نظریه‌ای برای توضیح این پیچیدگی، نمی‌توان دریافت روشنی از تاریخ آن‌ها پیدا کرد (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۲۳).

این عبارت، حاوی دو نکته مهم است: اولاً، تاریخ پیچیده ایران نیازمند نظریه‌ای است که بتواند

«چگونگی تکوین ملت» در ایران را توضیح دهد. اما تولد یا تدوین چنین نظریه‌ای، به دلایلی تاکنون به تأخیر افتاده است. تلاش نویسنده این است که حداقل، «طرحی مقدماتی» از چنین نظریه‌ای را فراهم نماید؛ ثانیاً و از باب مفهوم مخالف، چنین نظریه‌ای به دلیل همان «خاص‌بودگی تجربه ایران» نمی‌تواند از مجرای مفاهیمی طرح و تبیین شود که در ناسیونالیسم قرن نوزدهمی اروپا بسط یافته است. بدین‌سان، طباطبایی هم‌زمان از دو چیز اعراض می‌کند: یکی، ایدئولوژی اسلام سیاسی از نوع آل‌احمد و شریعتی و دیگری، ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی که از طریق علوم اجتماعی وارد زبان فارسی شده است.

**الف) نظریه ایرانی‌شهری و اسلام سیاسی:** نفی اعتبار اسلام سیاسی، یکی از وجوه سلبی در نظریه ایرانی‌شهری طباطبایی است و آن را نه خویش‌نواختن اصیل، بلکه برساخته ایدئولوژیک آل‌احمد و علی شریعتی می‌داند. مناقشه اصلی نیز بر سر مشروعیت یا غصبی بودن مشروطه بود. چنانکه گذشت، آل‌احمد و شریعتی آشکارا بر نفی مشروعیت مشروطه - چونان امری غصبی و شکننده کلیت اسلامی - تأکید داشتند. طباطبایی اما اسلام سیاسی را «دیانت ایدئولوژیک» و جلال و شریعتی را «حامیان ایدئولوژیک» کردن دیانت می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۷۸) و بر مشروطیت به‌مثابه امری مشروع و آغازی بر تجدید مطلعی در بازگشت به ملیت ایرانی و دولت ملی آن تأکید دارد.

وی در تقابل با این روشنفکران دینی و پروژه فکری آنان معتقد است که: «روشنفکری دینی از این حیث که استقلال و اصالتی به امر دینی می‌داد، یعنی امر دینی را یکی از شئون فرهنگ یک ملت نمی‌دانست، هرگز نتوانست التفاتی به امر ملی نشان دهد؛ اگر آغاز این گرایش در تبدیل دیانت به ایدئولوژی را آل‌احمد بدانیم، به آسانی می‌توان ملاحظه کرد که استفاده او از دیانت، جایی برای امر ملی باقی نمی‌گذارد» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۸۲).

نکته فوق حاکی از ملازمه مهمی در اندیشه طباطبایی بوده و آن ملازمه این است که استقلال و اصالت امر دینی، مستلزم عدم التفات به امر ملی بوده و برعکس، هرگونه التفات به امر ملی مستلزم اصالت نداشتن امر دینی است. طباطبایی با طرح چنین ملازمه دو سویه‌ای، گام در پارادوکس مهمی نهاده است که خروج از آن چندان آسان نمی‌نماید؛ زیرا چنین مدعایی نه در مقام توصیف، با واقعیت تاریخ معاصر ایران، تشیع و مواضع رهبران دینی مشروطه هم‌ساز است، و نه در مقام تجویز، برون‌رفتی بر بحران دین و سیاست در ایران معاصر را نشان می‌دهد؛ بلکه جز ملت‌گرایی پرخاشگر، چشم‌انداز روشنی در افق نزدیک نشان نمی‌دهد. به هر حال این یک اصل موضوعه برای طرح ایرانی‌شهری در اندیشه طباطبایی است که «دیانت‌های ایرانیان، پیوسته بخشی از فرهنگ «ملی» آنان بوده است» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۹).

ب) نظریه ایرانی‌شهری و ملی‌گرایی: محور تمام آثار طباطبایی، تأمل در «مشکل ایران» است که در قالب ایده ایرانی‌شهری، طرح و تعقیب شده است. تمایز بین ایرانی‌شهری و ناسیونالیسم، از تأکیدات دائمی ایشان است. به نظر طباطبایی، در ایران و نیز «در بسیاری از کشورها، وحدت ملی تحقق پیدا کرده [است]، اما آن وحدت ملی، به ضرورت، ناسیونالیسم نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۰).

تمایز میان دو مفهوم ایرانی‌شهری و ناسیونالیسم نزد طباطبایی هرچند مهم است، لیکن از وضوح لازم برخوردار نیست. وی در تلاش بر این تفکیک می‌نویسد: «آغاز تاریخ‌نویسی جدید ایران، پیوندهایی با پدیدار شدن نوعی از «ملی‌گرایی» ایرانی دارد و کوششی برای تدوین تاریخ ملی است، اگرچه هنوز دستگاه مفاهیم تاریخ ملی از آن غائب است». منظور این است که آن تاریخ‌های ملی، ملی‌گرایانه هستند، اما این ملی‌گرایی بر پایه مواد و مصالح تاریخ ایران تدوین نشده است.

اصطلاح «ملی‌گرایی» یکی از مفاهیمی است که تاریخ‌نویسی و علوم اجتماعی جدید در ایران از تاریخ‌نویسی اروپایی وام گرفته است و این احتمال وجود دارد که کاربرد بی‌رویه آن، برای توضیح دگرگونی‌های تاریخ ایران در دوران جدید سودمند نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۴-۱۵).

#### ۴-۲. وجوه ایجابی نظریه ایرانی‌شهری

ایران‌شهری، سنت و نص مفهوم سنت، از جمله مفردات اندیشه ایرانی‌شهری است که همواره مورد توجه طباطبایی بوده است. به نظر ایشان، نه تنها برای ایران، بلکه «مفهوم سنت برای همه کشورهای که تاریخ و تاریخ اندیشه طولانی و پیچیده‌ای دارند، مفهوم بنیادینی است و در بی‌اعتنایی به این مفهوم بنیادین نمی‌توان فهم درستی از تاریخ و تاریخ اندیشیدن آن کشورها پیدا کرد و منطق تحول آن‌ها را توضیح داد» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۵).

تأملات طباطبایی در باب سنت، سابقه دیرینه دارد و خاتمه جلد دوم از «تأملی درباره ایران» را به «تجدید مطالعی در مفهوم سنت» اختصاص داده است (طباطبایی، ۱۳۹۵ الف: ص ۵۲۷-۶۶۳). سنتی که با خاطره باستانی فاصله داشته و در عین حال، «شالوده آگاهی تاریخی است و می‌تواند به آگاهی ملی تبدیل شود». وی می‌کوشد منطق و احکام این سنت قدمایی را بکاود و فرایند تبدیل عناصری از این سنت به ایدئولوژی، توسط روشنفکرانی چون آل‌احمد و شریعتی را توضیح دهد (طباطبایی، ۱۳۹۵ الف: ص ۵۳۰-۶۲۲).

«مفهوم نص» ظاهراً در آخرین اثر طباطبایی طرح شده و کوشیده است پیوندهای دو مفهوم سنت و نص را «نخستین بار» اینجا توضیح دهد (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۵). وی می‌نویسد: «باید به بحثی درباره ایران به‌عنوان «مشکل» برگردم و تجدید مطالعی دیگر درباره نص - نص‌های بنیان‌گذار و سنتی بکنم، که ایران بر آن

نصّ‌ها تنیده و سنتی پیچیده ایجاد کرده است. هر یک از تمدن‌های بزرگ بر نص یا نص‌هایی استوار شده‌اند و آن تمدن، بسط مضمون آن نص است که برحسب معمول از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود و من در اینجا آن را سنت خواهم خواند» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۸).

### ۵. نظریه ایرانشهری جدید در قدیم

«جدید در قدیم» از جمله اصطلاحات کانونی طباطبایی و اندیشه ایرانشهری وی است. این مفهوم بیانگر آن است که جامعه ایران در دوران مشروطه که در «آستانه تجدد» ایران است، به مفاهیمی به‌ویژه «ملت» و «دولت ملی» آگاهی یافتند، که هرچند جدید و از عناصر تجدد است، اما این عناصر برای ایرانیان چندان هم جدید نبودند و ایران از قدیم یک ملت بود و دولت ملی خاص خود را داشت. ایران عصر مشروطه به گفته طباطبایی به «حافظه تاریخی‌ای» بازگشت که هرچند جدید می‌نماید و با برخی از وجوه ناسیونالیسم باختر نیز همسو است، اما سابقه دیرینه‌ای داشت و «نطفه آن در عصر زرین فرهنگ ایران بسته شده بود» (طباطبایی، ۱۳۹۵ الف: ص ۵۳۰).

طباطبایی درخصوص مشروطه و ارتباط آن با ایرانشهری می‌نویسد: «این نکته اساسی است که جنبش مشروطه‌خواهی، با تأسیس حکومت قانون، ایران را به دوران جدید وارد، و بدین‌سان همه شئون کهن آن را نوآیین کرد. در ایران، این نو شدن به معنای خلق از عدم نبود، بلکه همه مواد نو شدن در تاریخ فرهنگی ایران وجود داشت و مشروطیت صورتی نوآیین به آن مواد داد. در جای دیگری، از این موادی که قابلیت پذیرفتن صورتی نورا داشتند، به امور «جدید در قدیم» تعبیر کرده‌ام» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۹).

طبق تحلیل فوق از رابطه قدیم و جدید، امر ملی و ملی‌گرایی نوآیین در مشروطه به هیچ وجه «امری ابداع شده» نبود، بلکه چنانکه برخی پژوهشگران «ازلی‌گرا» می‌گویند، «هویت ملی ریشه‌های عمیقی در باورهای فرهنگی، مذهبی و شیوه‌های قومی [ایرانیان] دارد که از روزگاران کهن وجود داشته است» (ماتیل، ۱۳۸۴: ص ۶۹۳-۶۹۴). به همین دلیل هم به گفته طباطبایی، نمایندگان همه اصناف در مجلس مشروطه، اصطلاحات حکومت ملی و ملت ایران را چنان به یکسان می‌فهمیدند که اخلاقی در گفت‌وگوی میان آنان ایجاد نمی‌شد؛ «ایرانیان به آسانی می‌توانستند مواد تاریخ کشور خود را در دستگاه مفاهیم نظریه ناسیونالیستی بفهمند» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۹-۲۲).

### ۶. نظریه ایرانشهری و مشروطه

اگر نگاهی به مشروطه داشته باشیم، نفی سلطنت و نظام پادشاهی مطلقه از مختصات اصلی آن است؛ در

حالی که در نقطه مقابل آن، نهاد شاهی در قلب اندیشه ایرانی‌شهری قرار دارد. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران دوره قاجار نشان می‌دهد که، سلطنت در اندیشه معاصر ایران، از مدت‌ها پیش مرده بود؛ به دیگر سخن، از نیمه دوم عهد ناصری به بعد، شاهد حضور شاهانی بدون نظریه شاهی و سلاطینی در غیاب نظریه سلطنت بوده‌ایم. برحسب معمول، شیوه فرمانروایی ایران قدیم «شاهنشاهی» خوانده می‌شد که شاه و نظام شاهی قلب آن را تشکیل می‌داد و تن یا سامان سیاسی ایرانیان بر محور آن می‌چرخید. طباطبایی در آخرین نوشته خود می‌کوشد بین دو مفهوم «شاهی» و «شاهنشاهی» تفکیک نماید، تا بلکه بتواند راهی برای تبیین حکومت ملی و ملیت ایرانی در غیاب مفهوم شاهی در دوره جدید بگشاید. تلاشی که مقدمه‌ای ضروری، اما ناممکن بر طرح ایده‌ای است که ایشان آن را «جدید در قدیم» خوانده است.

ایشان با توجه به این ضرورت ابراز می‌دارد: «به یک اعتبار، نظام شاهی یا سلطنت، نوعی از شیوه‌های فرمانروایی مانند جمهوری و آریستوکراسی بوده است که اختصاص به ایران ندارد ... [لیکن] مفهوم «شاهنشاهی» از ویژگی‌های فرمانروایی ایرانی است و من اینجا آن را به‌عنوان یک مفهوم به‌کار می‌برم، که مصداقی در مورد ایران‌شهر داشته است ... اگر کسی به تمایز میان شاهی - سلطنت و «شاهنشاهی» توجهی نداشته باشد، نخواهد توانست استدلال مرا دنبال کند ... مشروطیت را در پیوند با همین تمایز مورد بررسی قرار خواهم داد» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۱۲۷). با مشروطیت و انقلاب واژگانی، درحال، بسیاری از مفاهیم اساسی اندیشه آزادی‌خواهانه همچون وطن، در گرایشات ایرانی‌شهری رواج یافت که با عبور از صبغه عرفانی، به‌معنای «تمامیت ارضی و منافع ملی ایران» به‌کار برده شد.

## ۷. نتیجه‌گیری

ایرانشهری، روایتی جدید از میراث قدیم است که به‌رغم رگه‌هایی در پیشامشروطه، ناشی از تحولات مشروطه‌خواهی و دولت ملی برآمده از آن در ایران معاصر است. ایران، نامی است که حاصل دوران جدید است، دورانی که برنامه‌های عمومی در پی پروژه دولت-ملت در سطح جهان پیش می‌رفت و برخی از دست‌اندرکاران ایران نیز آن را دنبال می‌کردند؛ وگرنه تا قبل از این تاریخ، این منطقه جغرافیایی را پارس می‌گفتند. بنابراین، اندیشه ایرانی‌شهری، از منظر فلسفی و تاریخی بخشی از اندیشه‌ای است که در جغرافیای مکانی و زمانی ایران‌زمین جاری بوده و با سامان‌دهی کلیت اندیشه ایرانی، تجلی‌های آن در حیات و سپهر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل پیگیری است. نظریه ایرانی‌شهری توانسته است در منحنی تحول معنایی و مفهومی خود، ضمن تقویت آموزه‌ها و جهان‌بینی خود بر سایر اندیشه‌های رقیب نیز تأثیرات مستقیم و

غیرمستقیم بگذارد. بر همین اساس، نگارنده در پژوهش اخیر بر دو مفروض توجه ویژه داشت: نخست اندیشه ایرانی در طول دوره‌های تاریخی، ضمن تأثیرپذیری از آراء و اندیشه‌های دیگر (اعم از اسلامی و غربی «یونانی» و غیره) توانسته است بر حیات سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های دوره اسلامی و یونانی و غیره تأثیر گذاشته و موجب تکامل بخشی آن‌ها نیز شده است. دوم آنکه، اندیشه ایران‌شهری از گذشته تاکنون، ضمن تکامل بخشی و تأثیرگذاری بر سایر اندیشه‌ها و حضوری پاینده و مؤثر در تمام دوره‌های تاریخی، تحت شرایط تاریخی و اجتماعی در دوره‌بندی‌های تاریخی، با حفظ گزاره‌های اصلی تغییر و تحولاتی داشته است. لذا، بر پایه این مفروض‌ها و مبتنی بر سؤال اصلی پژوهش حاضر، این فرضیه مطرح شد که «اندیشه ایران‌شهری در طول دوره‌های تاریخی ضمن تأثیرپذیری از اندیشه‌های اسلامی، بر حیات سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های دوره اسلامی تأثیرگذار بوده و موجب تکامل آن نیز شده است». لذا، اندیشه ایران‌شهری با وجود گستردگی و تفاوت‌های معنایی در طول دوره‌های تاریخی تداوم داشته و دارای ساختار و مؤلفه‌های مختص به خود می‌باشد. این اندیشه در دوره اسلامی ضمن تأثیرپذیری، بر آن تأثیرات اساسی گذاشته و نمودهای آن را می‌توان بر ساختار سیاسی حکومت، سیاست‌نامه‌نویسی، فلسفه سیاسی و اندرزنامه‌نویسی پیگیری کرد. نکته قابل توجه همچنان که خواجه نظام‌الملک نیز بدان اشارت دارد، این است که در اندیشه ایران‌شهری وحدت دین و ملک درهم تنیده است و هرگاه در این دو خللی صورت گیرد، مملکت شوریده شود و مفسدان قوت گیرند. در اندیشه ایران‌شهری دینداری از پادشاه جدا نیست؛ به تعبیر دیگر، پادشاه خلیفه خدا و ظل‌الله به حساب می‌آید. لذا، در افق چشم‌اندازی یافته‌های پژوهش، قابلیت کاربردی برای دوره معاصر دارد.

## منابع

- اراضی جمکرانی، نبی‌اله و همکاران (۱۳۹۹). تاثیر پیمان‌های شاهنامه در انتقال اندیشه ایرانشهری به دوره اسلامی (با تاکید بر تصاویر شاهنامه باینسنقری). *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۶(۳۸): ۷-۱۹.
- بویس، مری (۱۳۷۶). *تاریخ اساطیر شاهان و پهلوانان*. تهران: معین.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: فکر روز، چاپ سوم.
- پرهام، باقر (۱۳۸۳). *مبانی و کارکرد شهریار در شاهنامه و سنجش خرد سیاسی ایران*. تهران: انتشارات فردوسی.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۷۷). *شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران*. تهران: انتشارات معین.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۶۱). *مرصاد العباد، اندیشه سیاسی ایرانشهری در دوره اسلامی*. مصحح: محمدامین ریاحی. تهران: توس.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸). *اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی*. تهران: امیرکبیر.
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۷۸). *مبانی اندیشه‌های سیاسی در خرد مزدایی*. تهران: انتشارات طرح نو.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۷۵). *خواجه نظام‌الملک*. تهران: طرح نو.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۳). *زوال اندیشه سیاسی در ایران*. تهران: کویر.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۵ الف). *نظریه حکومت قانون در ایران*. تهران: مینوی خرد، ج ۲.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۸). *ملت، دولت و حکومت قانون*. تهران: نشر مینوی خرد.
- کریک، کالهن (۱۳۹۲). *ناسیونالیسم*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: آشیان.
- گرشویچ، ایلیا (۱۳۸۵). *تاریخ ایران دوره هخامنشیان*. ترجمه مرتضی ثاق فر. تهران: جامی.
- ماتیل، الکساندر (۱۳۸۴). *دایره‌المعارف ناسیونالیسم: مفاهیم اساسی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجتبایی، فتح‌اله (۱۳۵۲). *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*. تهران: انجمن.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۹۴). *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. تهران: توس، چاپ ششم.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۵). *التبیه و الاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم.
- ویدن‌گرن، گنو (۱۳۷۷). *دین‌های ایرانی*. ترجمه منوچهر. فرهنگ. تهران: آگاهان پدیده.
- هاشمی‌نژاد، قاسم (۱۳۶۹). *کارنامه اردشیر بابکان*. تهران: نشر مرکز.
- Strauss, L. (2009). *Getting the Left Right: The Transformation, Decline, and Reformation of American Liberalism*, Lawrence, Kansas: University Press of Kansas.